هیچ کس برای شما بهتر از همسرتان نیست

بین دو جنس مخالف همیشـــه جذابیتها و کشش هایی وجـــود دارد که با وجود همه ی خـــط قرمزها و رعایتهای کوچـــک و بزرگ باز هم در گوشـــه ای هر چند ناگهانی و ناخواســـته، جرقه ای زده می شـــود و در عمق قلب انسان تاثیر خودش را می گذارد. اگر چه متاهل هســـتیم و نسبت به زندگی زناشویی و همسر و فرزندانمان پایبند و متعهد اما اگر لحظه ای غفلت کنیم، ناگهان دلمان را اســـیر محبتی می بینیم که به صلاح زندگی مان نیســـت. محبتی که به جای گرما بخشیدن، آتش می زند. محبتی که اگر زود خام آن نشویم و تحت تاثیر آن تصمیم های عجولانه نگیریم، از کنارمـــان عبـــور می کند و رنگ می بازد. اما متاســـفانه خیلی‌هـــا در چنین مواقعی، بدون فکر به آخر و عاقبت این راه، آنقـــدر پیش می روند که آخر کار یک تراژدی دردناک و پر از حوادث غیر اخلاقی پدید می آید. به راهی می روند که اگر از اول نشان شان می دادی از آن می گریختند.

این یک سرگرمی نیست

مشـــکل این جاست که گاهی زندگی را آن طور که باید جدی نمی گیریـــم. مثل اینکه یک ســـرگرمی پیدا کرده باشـــیم، با کنجکاوی و لجبازی بچگانه ای پیش می رویم و یک دفعه خودمان را اســـیر یک بازی پیچیده می کنیم. کافی بود که همان روز اول جواب یک لبخند نادرســـت را بـــا لبخند نمی دادیم. کافی بود همـــان اولین روزهایی که توجه‌مان بـــه همکار نامحرم مان جلب شـــد تا آخر راه را در نظـــر می گرفتیم و عفت بیشـــتری در کلام و رفتارمان به خرج می دادیم. همیشـــه روزهای اول یک رابطه نقش اساســـی در تعیین سرنوشـــت آن رابطه دارند. اگر در اولین روزهـــای برخوردمان با همکار، همســـایه، هم کلاســـی نامحرم‌مان رعایت های لازم را بکنیم و نشـــان دهیم که متاهل هستیم و نسبت به همســـر و خانواده مان متعهد و وفادار هستیم، در مراحل بعدی گرفتار آزمایشات سخت تر نمی شویم.

و چقدر زود دیر می شود

وقتی یک عشـــق آتشین و یک میل و هوس ایجاد شد، دیگر برای مبارزه کردن و فراموش کردن دیر است. همان روزهـــای اول که تـــازه یک محبت اشـــتباهی می خواهد در زندگی تان قد علم کند، باید هوشـــیار باشـــید و جلوی مشـــکل را بگیرید. اما اگر این کار را نکردید و با بازیگوشی و بی توجهی هر روز یک گام به جلو برداشـــتید، خیلی زود خودتان را اسیر رابطه ای می بینید که نه می توانید رهایش کنید و نه حاضرید به خاطر آن زندگی شـــیرین تان را تباه کنید. اما وقتی ســـر این دو راهی قرار گرفتید دیگر احتمال اشـــتباههای خیلی بزرگتر و دردهای خیلی سخت تر زیاد می شود. انسانی که اراده دارد هوشیار و عاقل است از ابتدا خودش را در چنین مخمصه ای قرار نمی دهد. اما اگر به هر دلیلـــی در چنین گودالی افتادید باید توبه کنید و خودتان را هر چند به زور و با اکراه زیاد باشد، به راه راست باز گردانید. باید ســـعی کنید تمرکزتان را از روی محبت نادرســـتی که ایجاد شده بردارید و روی خانواده و همسرتان تمرکز کنید.

عدم وفاداری زنان متاهل!

هر چند چنین گرفتاریهایی بیشـــتر بـــرای مردان اتفاق می‌افتد اما خاص مردان نیســـت و زنان متاهل زیادی هم در چنین دامهایی اسیر می شوند. و متاسفانه بعضی از زنان زود هم تحت تاثیر قرار گرفته و همه چیز را نابود می کنند. اباحه گری روابط نامحرمان باعث داغ تر شـــدن بیشتر این آشـــفته بازار مخصوصا در کلان شـــهرها شده است. زنان متاهلـــی که هر روز در محیـــط کار و زندگی با نامحرم در ارتباطند، از جنس ســـنگ و چوب نیســـتند، زن هستند با عواطف قوی و ادراک فوق العاده. گاهی تیپ، رفتار و کلام جذاب کســـی کار خودش را می کند و جرقه ای از محبت ایجاد می شود که اگر از ســـوی طرفین تقویت شود قطعا مشکل ساز می گردد.

تکیه به غیر قابل اعتمادها

زندگی همیشه آن طوری که پیش بینی می کنیم نیست. این مرد و زنی که امروز ما را از زندگی ســـر به راه مان دور می کنند، انسانهای عاقل و محترمی نیستند که اگر بودند با زندگی یک فرد متاهل چنین رفتاری نمی کردند. این آدمها اهل رنگ عوض کردن اند. قابل اعتماد نیســـتند. حتی اگر فضایل و خصوصیتهای خوبی داشته باشند، دلیل نمی شود که زندگی ما از هم بپاشد.

اگر از این محبت ها در دلتان به وجود آمد زود توبه کنید و روی خانواده و عزیزان خودتان تمرکز کنید و سعی کنید رابطه تان را با همســـرتان تقویت کنید و با نزدیک شـــدن به محرم خودتان را از گرفتار شـــدن در دام محبت نامحرم حفظ کنید. یادتان باشد هیچ کس برای شما بهتر از همسر خودتان نیست.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۵۵

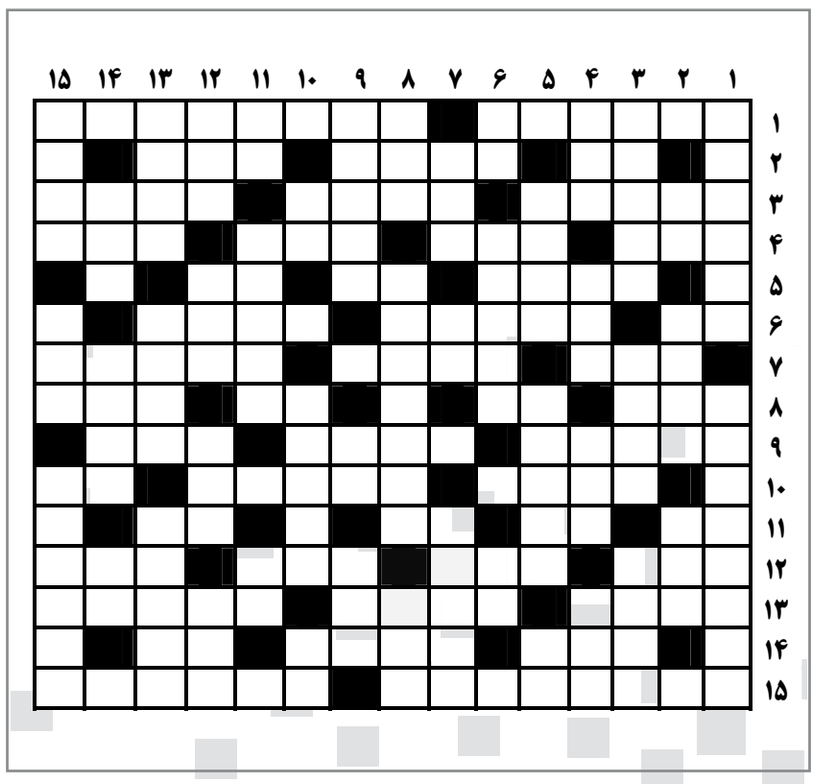

افقی:
۱-خالق شـــاهنامه- از شـــهرهای زیارتی افغانستان
۲-سفید ترکی- مرکز استان مازندران- خانه
۳-از توابع لارستان- سیاهی- شیرینی‌پز
٤-از مجالـــس مشـــورتی- شـــوهر حوا- روزگار- از توابع اصفهان
۵-نویسنده- چیز- درخت زبان گنجشک
٦-شـــکوه- جمع مهلکه- دست‌فروش‌ها پهن می‌کنند
۷-موجب- راست- پشت سر هم وارد شدن
۸-پوشش- مکمل شـــلوار- عدد فوتبالی- نفوذکننده در سایت اینترنتی
۹-آزرده- ظل- فارسی درباری
۱۰-از رونق افتاده- کمک- دهان توهین‌آمیز
۱۱-یا- قبیله حاتم بخشـــنده- عدد مرغان قاف- صفحه اینترنتی
۱۲-چابک- خورشید- جنگ- رود مرزی
۱۳-چپ- شیوه- جمع ایل
۱٤-نوعی ماده مخـــدر- جمع جن- نوعی خودرو مسافرکش
۱۵-از برنده‌هـــای غذایی جهان که به دنبال نفوذ در ایران است- دهر

عمودی:
۱-دوستدار فلسفه و همه چیزدان- از درجات نظامی رده پایین
۲-ضمیر اشاره به دور- روییدن- خشک
۳-همسر عروس- مهمترین قسمت تانک- ناگزیر
٤-سنگینی- از سلاح‌های ویرانگر- میان- خودرو فرانسوی
۵-پرستار بچه- به تاکسی می‌پردازند- نوعی لباس زنانه
٦-سوره‌ای قرآنی- هوشمندی و عاقبت‌نگری- نیمه‌ی اول ونیز
۷-از بیماری‌های تنفسی- قلق- قبراق
۸-از شهرهای تاریخی خراسان بزرگ- صبوری- انبساط خاطر
۹-اضافی- ای- گرو
۱۰-روستا- مرکز استان خوزستان- از صفات مبهم
۱۱-خاک کوزه‌گری- ده- من و تو
۱۲-خاور- کشتی جنگی- مظهر پلیدی در فرهنگ ایرانی- سگ شکاری
۱۳-سرکشی و بازرســـی نوبتی در بیمارستان را گویند- پاک- نوعی مربا
۱٤-حیوانی زیبا- حرف زشت- علامت مفعول بی‌واسطه
۱۵- از اجزای آجیل- کنار- نرس

جواب جدول شماره ۹۴/۷۵۴

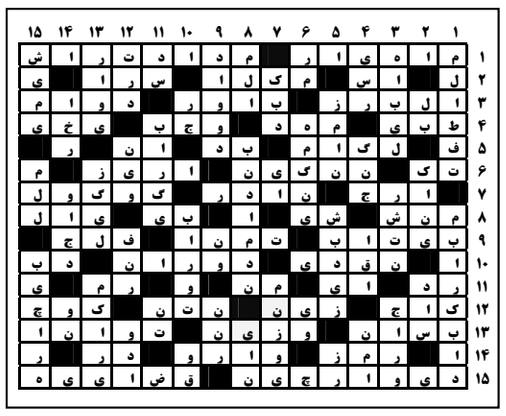

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۲۹

	4	1				8		
9				4	6			7
8			3	1			9	
		6	9				8	5
7	5			6			1	2
4	9				5	3		
	6			3	8			1
5			6	9				8
		4				5	6	

جواب جدول شماره ۹۴/۲۲۸

5	6	8	3	7	2	4	9	1
7	3	4	8	1	9	2	5	6
2	1	9	5	4	6	3	7	8
6	8	3	2	9	4	7	1	5
1	4	5	7	6	8	9	3	2
9	2	7	1	5	3	8	6	4
4	7	1	9	2	5	6	8	3
8	5	2	6	3	7	1	4	9
3	9	6	4	8	1	5	2	7

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ســـتون عمـــودی و ۹ ردیف افقی اســـت که توسط خطوط پررنگ‌تر بـــه ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعـــدادی از خانه‌هـــا در این جـــدول دارای عدد هســـتند و وظیفه شـــما این اســـت که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ســـتون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعـــدادی که در هـــر ردیف و ســـتون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شـــامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره اعلی

انسان اگر مالک ثروت است از ثروت استفاده می‌کند، این ثروت وسیله‌ای اســـت برای اینکه او بتواند زندگی کند، ولی «خدا صاحب است» به معنی این است که خدا تربیت کننده و مکمل اشیاء است.

«انســـان خداوندگار است» یعنی انسان نیازمند به آن چیزی اســـت که خداوندگار آن اســـت و به یک معنا او خداوندگار انسان است، چون این به او نیاز دارد؛ اگر او به این نیاز دارد این هم به او نیاز دارد.

اگر انسان یک اتومبیل دارد، به اتومبیل نیازمند است. (احیاناً اتومبیل هم به او نیازمند اســـت چون کار می‌کند، بایـــد روغنش را عوض کند و خرابی‌هایش را ترمیم کند ولی بیشـــتر از آنکـــه اتومبیل به او نیازمند باشـــد او به اتومبیل نیازمند است.)

اگر انســـان یک الاغ دارد، بیش از مقداری که الاغ بـــه او نیاز دارد او به الاغ نیـــاز دارد. این حیوان در یک خوراک ساده‌ای به این نیاز دارد ولی این در کارش خیلی به او نیاز دارد. در واقع انسان خداوندگار هر چه که هست محتاج و نیازمند به اوست و اوست که نیاز این را برطرف می‌کند.

ولی خداوند متعال یگانه ذاتی اســـت که خداوند همه موجودات اســـت در حالی که بی‌نیـــاز از همه موجودات است و مربی و مکمل همه موجودات است و موجودات نیاز خودشـــان را به [وســـیله] او رفع می‌کنند. این، فرق میـــان ربوبیت و خداوندگاری او و خداوندگاری انســـان اشیاء راست. این اســـت که خدا را می‌گوییم رب، یعنی مربی، مکمل اشیاء، از نقص به کمال برنده اشیاء.

حال اینجا چرا نفرمود مثلاً «سبح اسم خالقک الاعلی یا: رازقک الاعلی» فرمود «رب»؟ چون مســـئله‌ای که ذکر می‌کند مســـئله تبلیـــغ و دعوت مردم اســـت. بعد می‌خوانیم: فذکر ان نفعت الذکری. سیذکر من یخشی. و یتجنبها الاشقی. الذی یصلی النار الکبری. ثم لا یموت فیها و لا یحیی. قد افلح من تزکی.

بـــه پیغمبر امر می‌کند مـــردم را دعوت کن، مردم را تبلیغ کن، یعنی مردم را تربیت کن. از این جهت اســـت که پیغمبر در اینجا مظهر اسم «رب» پروردگار است، به اذن پروردگار مردم را تربیت می‌کند. این است که کلمه «رب» آمده.

کلمه «اسم»

کلمه دیگری که در اینجا داریم کلمه «اســـم» است. اســـم یعنی نام. مکرر گفته شده است که ما دو جور اسم داریم. یک نوع اســـم که معمولاً در اسم‌های شخصی و اعلام است، فقط نامگذاری است برای تشخیص، یعنی به معنی اسم هیچ توجهی نیست.

این نامگذاری‌ها فقط علامت است برای اینکه وقتی می‌خواهند [چیزی را] به یکدیگر بفهمانند، با آن علامت بفهمانند. وقتی می‌گویند «تهران» با این اســـم، با این علامت، با این لفظ فوراً این شهر به یادمان می‌آید. وقتی می‌گویند «اصفهان» آن شهر دیگر به یادمان می‌آید.

اینکـــه تهران را چـــرا تهران می‌گویند و ریشـــه‌اش چیســـت، [مورد توجه نیســـت.] لابد یک ریشه‌ای دارد. ریشـــه‌اش هر چه بوده ولی امروز دیگر کسی به آن معنا توجه ندارد. بعضی گفته‌اند «ران» به معنی دره اســـت، اینجا یک دهی بوده، می‌گفتند تهران یعنی ته ران، یعنی ته آن دره، کم‌کم اینجا بزرگ شـــده. من نمی‌دانم این راست است یا دروغ.

یـــا اگر اســـم انســـانی را احمد یا محمود یا حســـن می‌گذارنـــد، فقط برای علامت بودن اســـت و الا گاهی اســـم‌ها اصلاً ضد مســـمی درمی‌آید. مثـــل همان مثل معروف: غلام‌های ســـیاه که از قدیـــم می‌آوردند، خیلی از آنها اسمشان کافور بود. کافور سفید است و آن غلام، سیاه (برعکس نهند نام زنگی کافور).

در اسم‌گذاری بحثی نیست ولی اسم‌های خداوند هیچ کدام از این قبیل نیســـت، اسم‌های خداوند هر کدام به اعتبار معنی آن به خدا گفته می‌شـــود. حتی لفظ «الله» هم که علَم است با علَم‌های دیگر فرق می‌کند. مثلاً ما به خدا می‌گوییم «رحمن» بـــه اعتبار معنی رحمانیتش می‌گوییم نه اینکه فقط اسمش را گذاشته‌ایم «رحمن».

همین طـــور رحیم، علیم، قدیر، حی، ســـمیع، بصیر، الملک، القدوس، المهیمـــن، العزیز، الجبار، المتکبر، این همه اســـمی که داریم- که نود و نه اســـم از اسماء خدا در خود قرآن آمده اســـت و تازه قرآن نخواسته محدود کنـــد؛ در روایات و ادعیه در حدود هزار اســـم برای خدا ذکر شده- هر اســـمی یک شأنی از شئون الهی را بیان می‌کند.

پس «اسم» درباره خدا، که می‌گوییم اسم خدا، یکی به معنی لفظی اســـت که بـــه کار می‌بریم، و دیگری به معنی صفت خـــدا، صفت خدایی خـــدا، رحمانیت خدا، رحیمیت خدا. بعد ببینیم این «اســـم» که در اینجا آمده مقصود اسم لفظی است یا مقصود از «اسم» خود صفت است؟

کلمه «تسبیح»

برویم ســـراغ کلمه «تسبیح» (ســـبِّح). تسبیح یعنی تنزیه، منزه دانســـتن، مبرّا دانستن. خداوند متعال صفات کمالیه یا جمالیه و صفات جلالیه دارد، یا به تعبیر دیگری که متکلمین و فیلســـوفان می‌گوینـــد، صفات ثبوتیه و صفات سلبیه دارد.

مقصود چیست؟ صفات ثبوتیه یعنی صفاتی که خدا را باید با آن صفات خواند و توصیف کرد، مثل همان‌هایی که ما معمولاً در نماز توصیف می‌کنیم: الحمدلله. الله اگر چه می‌گویند عَلَم اســـت ولی آن هم به یک معنا صفت اســـت. رب العالمین (رب). الرحمن، الرحیم، مالک یوم الدین. قل هو الله احد. «اَحَد» از صفات کمالیه اســـت. همین طور الصَّمد.